

کنشگری سیاسی دانش‌آموزان وابسته به حزب توده در جنبش ملی شدن نفت (مورد مطالعه شهر تهران)

چکیده: جنبش دانش‌آموزی و کنشگری سیاسی-اجتماعی قشر دانش‌آموز، با وجود برجستگی و تأثیرگذاری در تاریخ معاصر ایران و به ویژه در جنبش ملی شدن نفت به‌ندرت مورد توجه و پژوهش مستقل قرار گرفته است. با فروپاشی حکومت خودکامه رضاشاهی، فضای باز سیاسی-اجتماعی در ایران برقرار شد و زمینه برای فعالیت جریان‌ها، احزاب و تشکل‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی فراهم گردید. جنبش ملی شدن نفت، از مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران بود که بستری برای تشکل‌گرایی، تحزب و بسیج سیاسی اقشار مختلف اجتماعی از جمله دانش‌آموزان مدارس را در سطح وسیعی فراهم ساخت. این پژوهش با عطف نظر به اهمیت محوری دانش‌آموزان در جنبش ملی شدن نفت، با استفاده از روش تاریخی و گردآوری داده‌ها با اتکا به منابع، نشریات، اسناد و خاطرات برجای مانده از این رویداد، در صدد پاسخ به این پرسش است که تشکل‌های دانش‌آموزی وابسته به حزب توده در شهر تهران چه نقشی در جنبش ملی شدن نفت ایفا کردند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این برهه یکی از مهم‌ترین دوره‌های کنش سیاسی دانش‌آموزان و تشکل‌های دانش‌آموزی در تاریخ معاصر ایران است. حزب توده با آگاهی از این که جنبش‌ها همواره نیازمند کنش، بسیج سیاسی، تشکل‌سازی و سازمان‌دهی هواداران است، بخشی از مهم‌ترین هواداران خود و به عبارت بهتر پیاده‌نظام حزبی خود را از بین مدارس و قشر دانش‌آموز برگزید و با سازمان‌دهی آنها را وارد میدان کنشگری سیاسی کرد. راهپیمایی، میتینگ، شعارنویسی و درگیری فیزیکی از بیشترین گونه‌های کنش و دبیرستان‌های شرف، البرز و دارالفنون از کانون‌های اصلی کنشگری‌های مربوط به مدارس و دانش‌آموزان حزب توده بودند.

واژگان کلیدی: جنبش ملی شدن نفت، حزب توده، دانش‌آموزان، تهران، ایران.

مقدمه: در دوران مدرن و با گسترش مدارس نوین، دانش‌آموزان به قشر مهمی در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل شدند. کنشگری سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان در انقلاب مشروطیت و رویدادهای بعدی از حضور قشر جدید و تأثیرگذاری آنها در مشارکت سیاسی و اجتماعی روایت دارد (کسروی، ۱۳۸۳: ۲۲۲). با فروپاشی حکومت خودکامه رضاشاهی، فضای باز سیاسی-اجتماعی در ایران برقرار شد و زمینه برای فعالیت جریان‌ها، احزاب و تشکل‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی فراهم گردید. از سوی دیگر این سال‌ها، هم‌زمان با رقابت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی-اجتماعی بسیار شدیدی شد که هرکدام از این جریان‌ها، احزاب و تشکل‌ها سعی در یارگیری از اقشار مختلف اجتماعی در راستای اهداف و مقاصد خود داشتند. در این فضای سیاسی، جنبش ملی شدن نفت، به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی-اجتماعی در تاریخ معاصر ایران بستری را فراهم ساخت تا در آن تشکل‌گرایی، کنشگری و بسیج سیاسی اقشار مختلف اجتماعی از جمله دانش‌آموزان مدارس در سطح وسیعی رخ دهد. احزاب و تشکل‌ها با آگاهی از این که

جنبش‌ها و نهضت‌ها همواره نیازمند کنش و رفتار جمعی و بسیج سیاسی هواداران است، بخشی از هواداران خود را در میان قشر دانش‌آموز و در کلاس مدارس جستجو می‌کردند. از این رو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و مخصوصاً جنبش ملی شدن نفت از منظر کنشگری دانش‌آموزان و نقش مدارس بسیار مهم است. به سخنی حتی می‌توان ادعا کرد که جنبش ملی شدن نفت مهمترین بستر مشارکت سیاسی و اجتماعی تشکل‌های دانش‌آموزی را رقم زده است. باوجود این کنشگری و حضور دانش‌آموزان در تشکل‌های سیاسی احزاب و جریان‌ها، واقعیت آن است چندان که باید و شاید به این قشر و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان توجه نشده و در تاریخ‌نگاری معاصر، پژوهش درخوری در مورد آنها صورت نگرفته است. بدین خاطر تاریخ‌نگاری جنبش دانش‌آموزی در تاریخ معاصر و به‌ویژه برهه نهضت ملی نفت را از منظر تاریخ‌نگاری فرودستان می‌توان مطابقت داد؛ قشری که باوجود کنشگری و حضور بسیار مهم و تعداد زیاد آنها در جنبش ملی شدن نفت، نقش آنها در تاریخ‌نگاری‌ها و پژوهش‌ها بازتاب نیافته و صدایشان شنیده نشده است. این پژوهش با توجه به اهمیت محوری اما روایت نشده دانش‌آموزان در جنبش ملی شدن نفت، با استفاده از روش تاریخی و با اتکا به منابع، اسناد و خاطرات برجای مانده از این رویداد، در صدد پاسخ به این پرسش است که تشکل‌های دانش‌آموزی وابسته به حزب توده چه نقشی در جنبش ملی شدن نفت ایفا کردند؟

روش تحقیق: روش تحقیق نوشته حاضر حاضر از نوع پژوهش تاریخی است. در پژوهش‌های تاریخی اتکای تحقیق بر منابع، اسناد و شواهد برجای مانده از موضوع تحقیق است. ابزار گردآوری اطلاعات در این نوع پژوهش منابع کتابخانه‌ای، روزنامه‌ها و نشریات، اسناد و مدارک آرشیوی است. روش تجزیه و تحلیل به شیوه تحلیل تاریخی خواهد بود. در این پژوهش فعالیت‌های دانش‌آموزان در حوزه مدارس فعال در تهران بررسی و در بستر جریان چپ داده‌ها گردآوری و تجزیه و تحلیل شده است.

پیشینه پژوهش: باوجود این که در مورد نهضت ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، احزاب و تشکل‌ها و جریان‌های سیاسی دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و نیز دولت مصدق آثار فراوانی به فارسی و زبان‌های خارجی نوشته شده است اما در مورد نقش دانش‌آموزان و مدارس در نهضت ملی شدن نفت در پایان‌نامه‌ها و مقالات موجود اثری یافت نشد. یکی از عوامل نادیده گرفتن دانش‌آموزان و تشکل‌های مدارس این بوده که آنها تحت تأثیر و در سایه دانشجویان دانشگاه تهران و تشکل‌های دانشجویی بودند. علت دیگر این موضوع به نخبه‌گرایی تاریخ‌نگاری‌های و نیز سیاسی‌نگاری آنها مربوط می‌شود. تأکید بر ابعاد سیاسی نهضت ملی شدن نفت و نیز تأکید بر نقش نخبگان و رهبران احزاب و تشکل‌ها و جنبش ملی نفت، جای‌چندانی برای بازتاب دادن فرودستانی چون دانش‌آموزان نگذاشته است. از این رو مدارس و دانش‌آموزان و تشکل‌های مربوط به آنها تقریباً نادیده گرفته شده و پژوهشگر این حوزه ناچار است نقش و تأثیرگذاری آنها را از لابه‌لای خاطرات، گزارش‌ها، اسناد و نشریات بازسازی نماید. آثار نادری که در مورد جنبش دانش‌آموزی در تاریخ

معاصر ایران نوشته شده، با تأکید بر نقش دانش‌آموزان و مدارس در انقلاب اسلامی نوشته شده و در این آثار نیز مشارکت سیاسی دانش‌آموزان در جنبش ملی نفت نادیده گرفته شده است. برای نمونه کتاب یعقوب توکلی (۱۳۸۸) با عنوان «از اینجا آغاز می‌شود؛ تاریخچه جنبش دانش‌آموزی در ایران اسلامی» نمونه چنین آثاری است. نیز مقاله «بررسی نقش‌آفرینی جنبش دانش‌آموزی در عمومی‌سازی مبارزات انقلاب اسلامی: مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان (۱۳۵۷-۱۳۵۰)» از مریم قانونی و دیگران (۱۴۰۱)، هر چند به لحاظ دوره زمانی پژوهش و نیز مکان تحقیق که شهر اصفهان است با این تحقیق متفاوت است ولی در مقدمه اشاراتی به فعالیت‌های حزب توده در دهه ۲۰ در بین دانش‌آموزان و مدارس داشته است. کتاب «شیراز در دوران نهضت ملی شدن نفت» اثر مرادی خلیج (۱۳۹۷) از آثار نادر این مورد پرداختن به کنشگری دانش‌آموزان در جنبش نفت است. هر چند محدوده جغرافیایی اثر شهر شیراز است با این حال به خاطر ارتباط تشکیلاتی بین سازمان‌های دانش‌آموزی حزب توده با تهران و نیز تاثیرپذیری کنشگری‌های دانش‌آموزی شیراز از تهران به مواردی اشاره شده که از منظر اسنادی و محتوایی دارای ارزش است. کتاب «ایران بین دو انقلاب» آبراهامیان (۱۳۷۷) که در واقع پژوهشی درباره خاستگاه و فعالیت جنبش چپ است اشاراتی به برخی از کنشگری دانش‌آموزان، مدارس و معلمان وابسته به حزب توده داشته است.

۱. تشکیل‌سازی در حزب توده: کمونیسم از ایدئولوژی‌هایی بود که قسمت مهمی از تکاپوگری و کنشگری اقشار مختلف و به‌ویژه قشر درس‌خوانده ایرانی را به خود اختصاص داد و مبنای تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مهمی در جامعه ایران معاصر گردید. در سال‌های اولیه قرن بیستم برخی ایرانیان ساکن قفقاز با مفاهیم سوسیال‌دموکراسی و سپس کمونیستی آشنا شدند و شکل «همت» پدید آوردند (آدمیت، ۱۳۸۸: ۱۳). در سال ۱۲۹۹ ش. حزب کمونیست ایران توسط سوسیال‌دمکرات‌های سابق، چون سلطان‌زاده و عموآوغلی در انزلی تشکیل شد. به دنبال آن در مجلس چهارم فراکسیون سوسیالیست در سال ۱۳۰۰ ش. توسط سلیمان-میرزا اسکندری نقش‌آفرینی به نفع رضاخان داشت (بهار، ۱۳۶۳: ۱۳۰). در این سال‌ها کمونیست‌ها با توجه به شعارهای برابری و آزادی‌خواهانه، رفع تبعیض طبقاتی، اصلاحات اجتماعی و تقسیم زمین بین دهقانان، توانستند افراد تحصیل‌کرده را به خود جذب کنند. افزون بر آن پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، پیام برادرانه لنین و لغو امتیازات تزاری شور و هیجانی در بین ایرانیان پدید آورد. برخی از جوانان و دانشجویان بی‌آنکه آگاهی کافی از مبانی و مفاهیم مارکسیستی داشته باشند، جذب آن می‌شدند و آن را ابزاری برای تحول و اصلاح در جامعه ایرانی می‌دانستند. انحطاط و واپس‌ماندگی جامعه، استبداد سیاسی و تضاد طبقاتی و شرایط نابسامان اجتماعی و اقتصادی فضای مساعدی برای گرایش به شعارهای کمونیستی در ایران اواخر قاجار و عصر پهلوی فراهم ساخته بود (اسکندری، ۱۳۷۲: ۵۱). حزب توده بی‌درنگ پس از برکناری و تبعید رضاشاه در ۷ مهر ۱۳۲۰ با حضور ۲۷ تن از رهبران گروه کمونیست ۵۳ نفر، در تهران اعلام موجودیت کرد. بنیان‌گذاران حزب، سلیمان میرزا اسکندری را به‌عنوان رهبر حزب انتخاب کردند. سال‌های ۱۳۲۰ الی ۱۳۳۲

سال‌های طلایی فعالیت احزاب و نشریات وابسته به آنها در دوران معاصر ایران محسوب می‌شود. حزب توده با تبلیغاتی بسیار نیرومند و با مرام‌نامه‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، اشعار و برنامه‌های مختلف فرهنگی و هنری جذابیت زیادی برای اقشار گوناگون و به‌ویژه جوانان و تحصیل‌کردگان پدید آورده بود. در میتینگ ۱ بهمن ۱۳۳۱ حزب توده با ۱۰۰ هزار نفر شرکت‌کننده تجمع ۱۰ الی ۲۰ هزارنفری هواداران دولت را تحت‌الشعاع قرار داد (آمریکا و تحولات ایران، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

تشکیل‌سازی در کمونیسم بسیار مهم و از جایگاه ویژه‌ای در فرایند تکوین فعالیت‌های حزبی برخوردار بود. انضباط حزبی و تعهد به کار تشکیلاتی از نظر بنیان‌گذاری چون لنین همواره مورد تأکید قرار داشت و حزب را سازمان انقلابیون حرفه‌ای می‌دانست. حزب توده بلافاصله پس از تشکیل در ۷ مهر ۱۳۲۰ به تدوین برنامه موقت و سازمان‌دهی خود پرداخت و کار سازمان‌دهی و تشکیل‌سازی را از تهران آغاز کرد. حزب توده بر اساس اساسنامه خود مبتنی بر چندین سازمان بود که در سال‌های آغازین «سازمان ایالتی تهران» قدرتمندترین سازمان حزب توده بود (تشکیلات تهران حزب توده به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: هفت). حزب برای جذب اقشار مختلف به‌ویژه کارگران، دهقانان، زنان و بخش‌هایی از طبقه متوسط چون روشنفکران، خرده‌مالکان، پیشه‌وران و کارمندان برنامه‌های خاصی را ارائه کرد. ازجمله به تأسیس تشکیلاتی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان پرداخت و برنامه‌ها و گردهمایی‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی برای اقشار خاص ترتیب می‌داد. به طوری که سازمان‌دهی تشکیلاتی حزب توده در بین همه احزاب و تشکله‌ها، به نمونه و الگویی برای سایر جریان‌ها و احزاب درآمد. در فرودین سال ۱۳۲۲ *سازمان جوانان حزب توده* تشکیل شد. سازمان جوانان دموکرات حزب توده، به‌عنوان شاخه‌ای از فدراسیون جهانی جوانان دموکرات با شعار استقلال ملی، صلح و دموکراسی فعالیت کرده و دانشجویان و دانش‌آموزان را سازماندهی می‌کرد (راهنمای ملت، ۱۷ آبان ۱۳۳۰). حزب، *شورای کارگران* را در تابستان ۱۳۲۱ راه‌اندازی کرد. در مهر ۱۳۲۳ اتحادیه دهقانان را با عنوان «سازمان دهقانی» به وجود آورد. نخستین تشکیلات زنان حزب توده در تیر ۱۳۲۲ با نام «سازمان زنان» تأسیس شد. در فرودین سال ۱۳۲۲ «اتحادیه دانشجویان» را تشکیل داد. بعد از ماجرای ترور شاه در سال ۱۳۲۷ و غیرقانونی اعلام شدن حزب توده، تعدادی تشکیلات جدید به وجود آمد. این تشکله‌ها درواقع در غیاب حزب، اهداف و فعالیت‌های آن را دنبال می‌کردند (آمریکا و تحولات ایران، ۱۳۸۰: ۱۵۲). هنگامی که حزب توده دوباره از سال ۱۳۲۸ فعالیت خود را علنی کرد، در این سال «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران» تأسیس شد و این سازمان ارتباط تشکیلاتی با انجمن بین‌المللی دانشجویان در پراگ پایتخت چک برقرار کرد. روزنامه «دانشجو» را به‌عنوان «ارگان سازمان دانشجویان دانشگاه تهران؛ عضو اتحادیه بین‌المللی دانشجویان» منتشر نمود. سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، ابتدا در چند دانشکده با عنوان «اتحادیه دانشجویان» تشکیل شد و در سال ۱۳۲۸ با تلفیق اتحادیه‌ها، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران تأسیس شد و روزنامه «خورشید صلح» ارگان آن شد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۸: ۷۶). سازمان دانشجویان دانشگاه تهران با سازماندهی دانشجویان و دانش‌آموزان جهت شرکت در تظاهرات خیابانی، شعار دادن، پخش اوراق

تبلیغاتی، بازوی مهم حزب توده بود (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: د). در پی تشکیل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران و به دنبال اقدامات وسیع و برنامه‌ریزی‌شده و تشکیلاتی آن حزب، در اردیبهشت سال ۱۳۳۰ حزب توده اقدام به تأسیس «سازمان دانش‌آموزان ایران» کرد تا در برنامه‌های مختلف هماهنگ با سازمان دانشجویان دانشگاه تهران عمل کند. در کنفرانس کشوری دانش‌آموزان توده‌ای در تهران، تأسیس سازمان دانش‌آموزان حزب توده ایران به صورت رسمی اعلام شد (رزم، ۲۵ شهریور ۱۳۳۰؛ ضیاء‌ظریفی، ۱۴۰۲: ۱۲۱). این تشکیلات نشریه هفتگی *دانش‌آموز* را به‌عنوان ارگان آن سازمان منتشر می‌کرد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۸: ۸۰). به دنبال تشکیل سازمان دانش‌آموزی در تهران، در شهرستان‌ها— برای نمونه در شیراز— نیز شاخه‌های سازمان دانش‌آموزی فعالیت خود را آغاز کردند (حرفه، ۳ خرداد ۱۳۳۰؛ به نقل از مرادی‌خلج، ۱۳۹۷: ۳۳۸). گزارش نهادهای سیاسی و امنیتی به تاریخ ۲۸ مهرماه ۱۳۳۱ نشان‌دهنده دست بالای حزب توده در تشکل‌سازی و بسیج سیاسی توده‌ها به‌ویژه کارگران، دانش‌آموزان و دانشجویان است. یکی از این گزارش‌ها اظهار می‌دارد: «حزب توده بعد از واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۳۲، مدتی دست از فعالیت برداشت ولی مجدداً به‌تدریج شروع به فعالیت کرده و با تشکیل سازمان‌های مختلف وابسته به خود از قبیل «جمعیت ایرانی هواداران صلح»، «جمعیت ملی مبارزه با استعمار»، «جمعیت آزادی ایران»، «کانون جوانان دموکرات»، «سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان»، «جمعیت مبارزه با بی‌سوادی»، «کانون بانوان» و سایر دسته‌جانی که صرفاً طرفدار حزب منحل توده بوده و مجری دستورات کمیته مرکزی حزب مزبور می‌باشند. دست به یک‌رشته فعالیت و تبلیغات دامنه‌دار زده، جراید مخفی‌الانتشار مردم، ظفر، رزم، اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی چاپ و منتشر نموده و در وهله اول بیشتر توجه خود را مصروف تبلیغ دو دسته کارگران و محصلین مدارس نموده است» (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۱۶۱).

۲. معلمان و دانش‌آموزان در تشکیلات حزب توده:

حزب از آغاز کار تشکیلاتی خود، نگاه ویژه‌ای به اقشار موجود در بدنه وزارت فرهنگ داشت. در کمیته ۱۵ نفره حزب، سه استاد دانشگاه و دو معلم (رضا روستا و علی امیرخیزی) وجود داشت که همین امر زمینه مناسبی را برای جذب دانشجویان و دانش‌آموزان به وجود آورده بود (حسینی، ۱۳۹۰: ۴۵). در سال‌های آغازین دهه بیست، با توجه به نفوذ حزب توده و دیگر احزاب در بین دانش‌آموزان، دولت تلاش کرد با طرح لوایحی و ارسال بخشنامه‌هایی به مدارس، ورود دانش‌آموزان به تشکیلات حزبی و سیاسی را ممنوع کند، اما تلاش دولت برای دور نگه‌داشتن دانش‌آموزان از ورود به تشکیلات سیاسی و احزاب با واکنش اعتراضی گسترده از سوی حزب توده مواجه شد. در بیانیه اعتراضی فراکسیون حزب توده، شورای عالی جبهه آزادی، روزنامه‌های رهبر، آژیر، دماوند، ظفر، نجات ایران، ایران ما، مردم، شهپاز، آزادگان، جوانان آزادیخواه گیلان و ... به تاریخ ۱۳۲۳/۱۲/۱۲ اعلام کردند حق دخالت در تعیین سرنوشت و وارد شدن

در اجتماعات سیاسی مطابق نص صریح قانون اساسی، حق مشروع دانش‌آموزان دانسته شده و نسبت به بخشنامه وزارت فرهنگ مبنی بر منع دانش‌آموزان از ورود در اجتماعات اعتراض شدید شد. کمیته ایالتی سازمان جوانان حزب توده طی تلگرافی به مجلس شورای ملی و نخست‌وزیری تقاضای لغو بخشنامه مزبور را نمود (ساکما: ۳۹۴۴۸/۳۱۰).

در این سال‌ها مهم‌ترین تشکل و حزبی که نوجوانان و جوانان را به فعالیت سیاسی هدایت می‌کرد حزب توده بود. در سازمان جوانان حزب توده که رسمیت آن در سال ۱۳۲۲ اعلام شد، افرادی که سن آنها بیشتر از ۱۲ سال و کمتر از ۲۳ سال بود در سازمان پذیرفته می‌شدند (حزب توده ایران، ۱۳۶۲: ۱۶۱). در این برهه سازمان جوانان حزب توده عمدتاً متولی سازماندهی و هدایت دانشجویان و دانش‌آموزان بود. سازمان جوانان حزب توده نشریاتی چون «حقیقت پیروز خواهد شد»، «رزم»، «خورشید صلح برای دانشجویان» و سپس روزنامه آیندگان را برای جوانان منتشر کرد که به محوری برای تشکل جوانان دانشجوی و دانش‌آموز تبدیل شد (پارسا بناب، ۱۳۸۳: ۳۸۲). در این سال‌ها فعالیت شاخه جوانان حزب توده در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها میان پسران و دختران دانش‌آموز بسیار چشمگیر بود. به طور کلی اهمیت دانش‌آموزان و مدارس برای حزب توده بسیار بالا بود. به سخنی دانش‌آموزان توده‌ای در کنش‌های سیاسی این دوران نقش پیاده نظام را برای حزب توده داشت (مرادی خلج، ۱۳۹۷: ۳۳۸). در گزارشی که وزارت جنگ در تاریخ ۲۹ آبانماه ۱۳۲۹ تهیه کرد، ۴۰ درصد از دانش‌آموزان دبیرستان‌های کشور را از هواداران توده برشمرد و آنها را به دو گروه متعصبان، فعالان و مبلغان و اثرپذیرفته‌ها تقسیم کرد. در ادامه این گزارش آمده که کارت عضویت سازمان جوانان حزب توده به دانش‌آموزان بالای ۱۳ سال داده می‌شود. افراد دارای کارت، مسئولیت پخش اعلامیه‌ها و روزنامه‌های حزب را در دبیرستان‌ها بر عهده داشتند و در زمان لزوم، اقدامات کارشکنانه را در روند اداره مدارس انجام می‌دادند. در این گزارش به این نکته به‌ویژه اشاره شده است که نحوه تبلیغ حزب در میان دانش‌آموزان دبیرستان‌ها با اتحادیه کارگران و دانشگاه‌ها متفاوت است. بیانیه‌ها و ابلاغیه‌ها صبح زود و قبل از آمدن دانش‌آموزان به مدارس، در حیاط مدرسه و زیر نیمکت کلاس‌ها انداخته می‌شد. دستورات شفاهی نیز در میان دانش‌آموزانی که در حیاط در زنگ تفریح به بهانه درس در کنار هم جمع می‌شدند، ابلاغ و طرح می‌شد (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۳۳؛ قانونی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۲). همان‌طور که اشاره رفت به دنبال بهره‌گیری بیشتر از نیروی دانش‌آموزان و همگام با تأسیس سازمان دانشجویان دانشگاه تهران توسط حزب توده، سازمان دانش‌آموزان تهران در سال ۱۳۲۹ و در سال ۱۳۳۰ سازمان دانش‌آموزان ایران ایجاد شد (حزب توده ایران، ۱۳۶۲: ۲۵۱). مأمور ویژه امنیتی گزارش می‌دهد سازمان دانش‌آموزان ایران منتسب به حزب توده که در سال ۱۳۳۰ تأسیس شده و روزنامه علاج ارگان آن است در نظر دارد روز سه‌شنبه ۱۳۳۱/۷/۱ به مناسبت دومین سال تشکیل، جشنی در دبیرخانه مرکزی واقع در خیابان منوچهری، پاساژ افشار ترتیب دهد (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۱۵۳).

۳. دانش‌آموزان در سیاست حزبی

خلیل ملکی در دفاعیات دادگاه نظامی گفته بود ما کمونیسم را انتخاب نکردیم بلکه کمونیسم ما را انتخاب کرد. این موضوع در مورد جنبش دانش‌آموزی این دوران و مخصوصاً جایگاه و نقش تشکلهای دانش‌آموزی در سیاست حزبی توده می‌تواند مصداق بیشتری داشته باشد. به سخنی دیگر در درجه اول این دانش‌آموزان نبودند که فعالیت سیاسی را انتخاب کردند بلکه این احزاب و تشکلهای بودند که دانش‌آموزان و مدارس را برای فعالیت و یارکشی برگزیدند. به‌طور کلی روند فزاینده نفوذ حزب توده در مدارس و بین دانش‌آموزان از دغدغه‌های وزارت فرهنگ و نهادهای سیاسی و امنیتی بوده است. در ۱۳ مهرماه ۱۳۲۴ دبیر سپهری بازرس وزارت فرهنگ اظهار داشته که طبق دستور وزیر فرهنگ به مدیران مدارس دستور داده شده که اسامی دانش‌آموزانی [دانشجویان] که در حزب توده عضویت دارند و نیز آنهایی که با حزب توده مخالف هستند را به وزارت فرهنگ ارسال کنند تا هم آمار دانش‌آموزانی که در حزب توده هستند به دست آید و نیز برنامه‌هایی علیه حزب توده تدوین شود (گزارش‌های محرمانه شهربانی، ۱۳۷۱: ۷۹/۱). گزارش رکن ۲ ارتش در تاریخ ۱۳۲۹/۸/۲۹ در مورد میزان نفوذ احزاب در بین مدارس و دانش‌آموزان اظهار می‌دارد: به‌طور کلی ۴۰ درصد از دانش‌آموزان [در اصل دانشجویان] دبیرستان‌ها را باید توده‌ای شناخت (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۳۰).

با بررسی شواهد و منابع و اسنادی برجای‌مانده چنین می‌نماید که جو مدارس در این سال‌ها آمیخته با فضای رقابت سیاسی و ایدئولوژیک نه‌تنها بین دانش‌آموزان که بین معلمان نیز بوده است. به عبارتی حتی برای برخی از معلمان وابسته حزبی آموزش‌های غیررسمی ایدئولوژیک بر آموزش رسمی و درس اولویت داشت. برای نمونه یکی از دانش‌آموزان آن دوران می‌گوید: امیرحسین آریانپور دبیر زبان انگلیسی که وابسته به حزب توده بود، در دبیرستان البرز، اغلب اوقات انگلیسی درس نمی‌داد و از علوم اجتماعی حرف می‌زد (رضوانی، ۱۳۸۶: ۲۴). در گزارش شهربانی به تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۶ آمده: طبق اطلاع هیئت اجرائیه موقت حزب توده تصمیم گرفته هنگام تعطیلات مدارس در تابستان، محصلین را به شهرستان‌ها فرستاده و دستورات لازم را برای تبلیغ به آنها داده است؛ زیرا کمیته مرکزی عقیده دارد طبقه تحصیل‌کرده بهتر از دیگران به‌وسیله تبلیغ، مردم را جذب مرام و مسلک حزب توده می‌کند (گزارش‌های محرمانه شهربانی، ۱۳۷۱: ۳۲۷/۱). گزارشی از سازمان سیا بر آن است همان‌طور که دانشگاه تهران به کانون هسته‌های دانشجویی حزب توده تبدیل شده، چنین کانون‌هایی در دبیرستان‌ها هم به وجود آمده است (Foreign Relation of the United States 1952-1954, 2017: 5).

در سال‌های ممنوعیت، بسیاری از فعالیت‌های سیاسی و حزبی در قالب فعالیت‌های ادبی، هنری و ورزشی صورت می‌گرفت. برای نمونه در سال ۱۳۲۹ در دبیرستان البرز عده‌ای از دانش‌آموزان به رهبری ناصر و منصور خموشی به نام کوه‌پیمایی و ورزش، عملیات نظامی و تیراندازی به دانش‌آموزان آموزش می‌دادند (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۳۸).

۴. فرایند عضویت دانش‌آموزان

از افشار هدف و مخاطبان اصلی حزب توده دانش‌آموزان بودند و حزب برای عضویت و تشکل‌سازی در بین آنها، برنامه مشخص و معینی داشت. شیوه جذب دانش‌آموزان در تشکل‌های حزبی دارای فرایند خاصی بود. خاطرات خان‌بابا تهرانی از ارتباط‌گیری و جذب اعضا از طریق شبکه‌های غیررسمی حکایت دارد. خان‌بابا تهرانی می‌گوید علاوه بر عمویش که توده‌ای بود، در دوران تحصیل در دبیرستان البرز، توسط دوستان و همشاگردی‌هایش و یک معلم توده‌ای به حزب توده نزدیک و عضو آن شد. همشاگردی‌های وی چون موسی سومخ که کلیمی بود و جهانگیر باغدانیان وی را به حزب معرفی و علاقه‌مند کردند. نحوه عضویت به این شکل بود که افراد تا سن ۱۸ سالگی عضو سازمان جوانان بودند و بعد از ۱۸ سالگی با معرفی دو نفر به عضویت حزب پذیرفته می‌شدند. عضویت ابتدا به صورت آزمایشی بود. سپس عضویت رسمی صورت می‌گرفت و بعد از آن اعضا در یکی از کمیته‌های حزبی مشغول فعالیت می‌شدند. مطالعه متون حزبی و ایدئولوژیک برای اعضای تازه‌وارد الزامی بود و برای هر یک از اعضا حوزه مطالعاتی مشخصی انتخاب می‌شد. تهرانی توضیح می‌دهد که پس از عضویت در سازمان جوانان حزب، وارد یکی از حوزه‌های مطالعاتی شده و در این دوران برخی آثار کمونیستی را مطالعه می‌کند. از جمله کتاب «برگردیم گل نسرين بچينيم» اثر جان لافایت که یک داستان ضدفاشیستی بود. کتاب «زیر چوبه دار» از تال ژولیوس و آثاری از چخوف و گئورکی و دیگر آثار معروف کمونیستی. همچنین معلمی برای دانش‌آموزان تازه‌وارد تاریخ حزب کمونیست شوروی را تدریس می‌کرد تا دانش سیاسی خود را ارتقا دهند (تهرانی، ۱۳۶۸: ۲۵). با پشت سر گذاشتن دوره آزمایشی و پس از یک سال فعالیت حزبی، دانش‌آموزان فعال وارد اداره حوزه‌های حزبی می‌شدند. از جمله فعالیت‌های اعضای جوان و تازه‌وارد، پخش اعلامیه، فروش روزنامه و جمع‌آوری اعانه از اعضا و هواداران حزب بود. موفقیت در این زمینه‌ها منجر به تشویق شدن از سوی حزب و ارتقای افراد می‌شد. برخی از علل تشویق‌ها عبارت بود از قهرمان شدن در جمع‌آوری «یک روز درآمد» یا قهرمان فروش روزنامه حزبی و غیره. شرکت در شعارنویسی، معرفی افراد جدید به حزب یا چاپ روزنامه و تمبر از دیگر فعالیت‌های مهم اعضای جوان حزب بود. افراد حزبی در قبال پرداخت حق عضویت و کمک به حزب، به جای قبض، تمبر حزبی دریافت می‌کردند. این تمبرها مخصوص حزب بود. نیز پیک حزب از نقش‌های سازمان جوانان بود که اعلامیه و روزنامه حزبی را به شهرهای مختلف برده و پخش می‌کردند (تهرانی، ۱۳۶۸: ۲۵). گزارش‌های محرمانه اطلاعات دقیق‌تری در مورد نحوه عضوگیری، فعالیت و نفوذ حزب توده در بین

دانش‌آموزان دارد: در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، حزب توده به نوجوانان بالای ۱۳ سال کارت عضویت و پذیرش در حزب می‌دادند. برنامه‌های حزب توده در دانشگاه و دبیرستان‌های موردنظر مانند نوربخش، تدین، قریب، مهر، ایرانشهر و البرز، توسط چند نفر به‌طور غیرمحمسوس و محرمانه هدایت می‌شد. این افراد خود از روسا و افراد شبکه محسوب شده و هر هفته دستورات حزبی به آنها ابلاغ و آنها نشریه، بیانیه و روزنامه‌های مردم، رزم و ظفر را همراه آورده و صبح زود که دانش‌آموزان کمتر در مدرسه بودند در کلاس‌ها زیر میز گذاشته و یا در صحن حیاط می‌انداختند. دستورات شفاهی را در زنگ‌های تنفس که دانش‌آموزان به‌صورت چندنفری تجمع کرده و به بهانه حاضر کردن درس مطرح می‌کردند. در هنگام ضرورت اعضای سازمان دانش‌آموزی برای پیشبرد اهداف خود از خشونت علیه دبیران و مدیران مدارس رویگردان نبودند. گزارش در این باره می‌افزاید: اگر دبیری علیه حزب توده دست به اقداماتی بزند با دستور کمیته ایالتی با شیوه‌های خاص نسبت به تهدید و یا دوری او از آن مدرسه اقدام می‌نمایند. در خود وزارت فرهنگ، بین کارمندان جزء و عالی‌رتبه، اشخاصی بودند که با سازمان کمیته ایالتی حزب مرتبط بودند. وظیفه این گروه اجرای سیاست‌های کلی حزب بوده است. آنها هر نوع تغییر و تعدیل را که در وزارت فرهنگ می‌شود به کمیته ایالتی اطلاع داده و هر دستوری را که کمیته می‌دهد به‌طور غیرمحمسوس اجرا می‌نمایند. اقدامات آنها در سیاست‌گذاری و انتخاب روسا و مدیران کل و مدیران دبستان‌ها و دبیرستان‌ها نیز موثر بوده است (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۳۱ و ۳۲). برخی از مهم‌ترین کنشگری‌های سیاسی دانش‌آموزی در حزب توده را به شرح ذیل می‌توان گونه‌بندی کرد:

۴-۱. اعتصاب و تعطیلی مدارس

در سال‌های اولیه دهه ۱۳۲۰، حزب توده از اعتصاب معلمان همانند گروه‌های کارگری به‌عنوان اهرم فشار بر دولت استفاده می‌کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۰۸). در همین سال به تحریک حزب توده معلمان دارالفنون برای دریافت اضافه‌حقوق دست به اعتصاب زدند (گزارش‌های محرمانه شهربانی، ۱۳۷۱: ۲۸۲/۱ و ۲۸۸). با الگوگیری از معلمان دانش‌آموزان در این سال‌ها از اعتصاب و تعطیل کردن مدارس جهت فشار بر دولت استفاده می‌کردند. روزنامه‌ها و نشریات حزبی با تحریک دانش‌آموزان و زیر سؤال بردن اقدامات دولت و وزارت فرهنگ، زمینه اعتصاب آنها را فراهم می‌ساختند (شجاعت، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲). در ۴ اسفند ۱۳۲۹، سازمان سیا برآوردی از موقعیت شوروی در ایران داشته که در آن یکی از نشانه‌های افزایش نفوذ حزب توده را تعداد رو به فزونی اختلال‌ها در فعالیت دبیرستان‌ها و نیز افزایش هسته‌های سازمان جوانان حزب توده دانسته است (Foreign Relation of the United States 1952-1954, 2017: 13).

سال‌های دولت دکتر مصدق سالهای فزونی اعتصابات است. در سال ۱۳۲۷-۱۳۲۹ تعداد ۴ یا ۵ مورد اعتصاب در ایران گزارش شده است. در سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ به ترتیب ۴۲ و ۵۵ اعتصاب گزارش شده است و این رقم در هشت ماهه نخست سال ۱۳۳۲ به ۷۱

مورد رسید(ایوانف، ۱۳۵۶: ۱۳۸ و ۱۷۰-۱۷۱). گزارش‌های زیادی وجد دارد که درگیری بین دانش‌آموزان و دبیران زمینه تعطیلی و اعتصاب را فراهم می‌ساخته است. در دبیرستان پروین اعتصامی خانم امین ناطقی، دبیر تاریخ این مدرسه، با تبلیغ کمونیسم اقدام به فروش روزنامه‌های حزبی می‌کند. در دبیرستان دخترانه گوهرشاد، دانش‌آموزان یک دبیر بلشویک به نام ثقی را از کلاس اخراج کردند (پرچمدار؛ ارگان سازمان پان ایرانیست، یکشنبه ۲۷ مهرماه ۱۳۳۱). با گسترش اعضا و نفوذ حزب در بین دانش‌آموزان تاکتیک اعتصاب در بین دانش‌آموزان و مدارس نیز به کار گرفته می‌شد. خان‌بابا تهرانی اذعان دارد: «در هنگام تظاهرات، من به همراه تنی چند نفر دیگر به مدارس رفته و با به راه انداختن اعتصاب، مدارس را به تعطیلی می‌کشاندیم» (تهرانی، ۱۳۶۸: ۲۷). حزب توده در برخی موارد با دادن رشوه به برخی اولیای مدارس که با حزب موافقت و مخالفت خاصی نداشتند، آنها را تشویق می‌کردند به انحای مختلف اوضاع اداری مدارس را به هم بریزند و زمینه آشوب و بی‌نظمی در مدارس را فراهم سازند (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۸؛ قانونی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱). گزارشی محرمانه به تاریخ ۹ دی‌ماه ۱۳۳۷ اظهار می‌دارد: سازمان جوانان حزب توده با دبیران و آموزگاران ارتباط دارد و برای این که وضع عمومی وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) را همیشه در حال اغتشاش و آشوب نگاه دارد، اخیراً به افراد سازمانی خود دستور داده به هر وسیله‌ای موجبات اغتشاش و به هم پاشیدگی امور مدارس و دبیرستان‌ها را فراهم سازند. در روزهای اخیر که برف زیادی باریده است به دستور کمیته تخریبی سازمان جوانان، مقدار زیادی از شیشه‌های دبیرستان‌ها در اثر برف‌بازی شکسته شده است و در کلیه دبیرستان‌های تهران، افراد عضو حزب توده، دانش‌آموزان را تشویق به برف‌بازی می‌کنند و در ضمن پرتاب برف قطعات سنگ در وسط برف قرار داده و به‌طرف شیشه‌ها پرتاب می‌کنند و تاکنون در دبیرستان‌های حکیم نظامی، پهلوی و پیرنیا عده‌ای از دانش‌آموزان زخمی و مقدار زیادی از شیشه‌های پنجره‌ها شکسته شده است (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۸ و ۹).

نشریه «قیام ملی» ارگان جانشینان میهن دانشجویان توده‌ای را متهم می‌کند همان‌طور که در دانشگاه کلاس‌ها را به هم ریخته و با تهدید استادان از برگزاری کلاس‌ها جلوگیری می‌کنند، شرایط بدتری را در دبیرستان‌ها ایجاد کرده‌اند. در دبیرستان البرز بین دانش‌آموزان توده‌ای و جبهه ملی زدوخورد شدیدی رخ داده و تعدادی مجروح و زخمی شدند (قیام ملی، ۱۳ آبان ۱۳۳۰: ۳). روزنامه همچنین توده‌ای‌ها را متهم می‌کند که دبیرستان محمد قزوینی را آتش زده و در دبیرستان شرف، ناموس، نوربخش هسته‌های قوی تشکیل داده و در زدوخوردها به دستجات وابسته کمک می‌کنند؛ به طوری که در کلاس‌ها به جای درس، دانش‌آموزان فن چاقوکشی و قمه‌زنی را یاد می‌گیرند (قیام ملی، ۱۳ آبان ۱۳۳۰: ۳). در مقابل روزنامه‌های حزب توده شکایت می‌کنند که عناصر دربار و دولت چون شعبان بی‌مخ، عشقی و فروهر به مدارس حمله می‌کنند و با درگیری و چاقوکشی مدارس را به تعطیلی می‌کشاند (راهنمای ملت، ۱۷ آبان‌ماه ۱۳۳۰: ۴).

در سال ۱۳۳۰ دبیرستان دخترانه نوربخش کانون اعتصاب و اخبار دانش‌آموزی بود. این موضوع به خاطر اعتراض به اخراج ۱۱ نفر از دانش‌آموزان توده‌ای این دبیرستان به خاطر تبلیغات و فعالیت حزبی بوده است. این امر منجر به سلسله درگیری‌ها، تظاهرات و اعتصابات شد (ضیاء‌ظریفی، ۱۴۰۲: ۱۵۱). از جمله در ۵ آذرماه ۱۳۳۰ عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه نوربخش به‌عنوان اعتراض به اخراج دانش‌آموزان، در خیابان نادری با قوای انتظامی درگیر شدند. آخرین نبرد در بازتاب این خبر پلیس را متهم می‌کند که در خیابان به دانش‌آموزان دختر حمله می‌کند (آخرین نبرد، ۵ آذرماه ۱۳۳۰). نشریه قیام ملی می‌نویسد: مردم تهران شاهدند دو ماه است دبیرستان دخترانه نوربخش متشنج شده و دانش‌آموزان هر روز دست به تظاهرات می‌زنند و بین دانش‌آموزان توده‌ای و غیرتوده‌ای درگیری است. رئیس دبیرستان دکتر بازارگاد با سوءمدیریت این درگیری‌ها را دامن می‌زند و حتی یکی از دوشیزگان را سیلی زده است (قیام ملی، ۱۴ آذر ۱۳۳۰: ۳). نشریه جرس و آخرین نبرد با لحنی اعتراضی بیان می‌کنند اقدامات پلیسی در اماکن فرهنگی رایج شده و مقصر ماجرا را مدیر دبیرستان نوربخش می‌دانند که با اخراج این دانش‌آموزان و تحویل آنها به کلانتری ۳ باعث شده که مدرسه در حالت اعتصاب قرار گیرد (جرس، ۱ آذرماه ۱۳۳۰: ۴؛ آخرین نبرد، ۵ آذرماه ۱۳۳۰). در ۱۴ آذرماه سازمان دانشجویان حزب توده در اعتراض به اخراج دانش‌آموزان دبیرستان نوربخش کلاس‌های درس را تعطیل و در خیابان به زدوخورد با گروه‌های مخالف و نیروی انتظامی کرد که طی آن ۵ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی شدند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۵: ۳۹). گزارش روزنامه «به سوی آینده» ضمن این که جو مدارس سیاسی تهران در این برهه را بازتاب می‌دهد، می‌افزاید دانش‌آموزان توده‌ای اخراجی دسته‌جمعی به اتاق مدیر رفته و با وی درگیری می‌شوند و به دنبال آن مدیر به کلانتری زنگ زده و باز هم دانش‌آموزان از رفتن خودداری می‌کنند تا ناچار مدیر عصر آن روز دانش‌آموزان مذکور را ثبت نام می‌کند (به سوی آینده، ۲ مهرماه ۱۳۳۰: ۲). بدین ترتیب دانش‌آموزان پیروز معرکه می‌شوند.

۴-۲. شعارنویسی و پخش اعلامیه

رسانه و شبکه ارتباطی عمده حزب توده روزنامه‌ها و اعلامیه‌های حزبی بود و دانش‌آموزان در شبکه‌سازی و رساندن پیام حزبی با این رسانه‌ها نقش مهمی بر عهده می‌گرفتند. در مواقعی که وضعیت سیاسی و اجتماعی به سمت حکومت‌نظامی و فشار سیاسی می‌رفت، فعالیت‌های سیاسی و آشکار به سمت فعالیت‌های زیرزمینی و رادیکال سوق می‌یافت. در این شرایط شعارنویسی و پخش اعلامیه بیشتر می‌شد. گزارش محرمانه به تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۲۷ اظهار می‌دارد: شرمینی مسئول تشکیلات سازمان جوانان حزب توده مأمور اداره حوزه‌های مخفی تهران و رابط بین سران حزب است که قبلاً در اختفا به سر می‌برد. نامبرده شب‌نامه‌هایی تهیه کرده و بدین‌وسیله رابطه بین حوزه‌ها را محفوظ می‌دارد و دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران شب‌نامه‌ها را به‌طور مخفیانه بین کلیه مسئولین پخش می‌نمایند (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۹). مکاتبات بازرس وزارت فرهنگ از اخراج ۴ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان گوه‌رشاد به خاطر اعلامیه‌های حزب توده که از کیف یکی از دانش‌آموزان کلاس پنجم به نام شهربانو میرزاحسینی در سال ۱۳۳۲ که

توسط سرهنگ انصاری توقیف شد، خبر می‌دهد. در این باره ۴ نفر از دانش‌آموزان به نام‌های ۱-فاطمه حاج اسحاق ۲-فرنگیس قاضی نو ۳-کیان دخت تارتار ۴-ملیحه قنبرنژاد به مدت یک سال از مدرسه اخراج شدند (ساکما: ۲۹۷/۰۳۴۶۵). خان‌بابا تهرانی نیز به خاطر شعارنویسی علیه شاه دستگیر و زندانی شد (تهرانی، ۱۳۶۸: ۴۰). به تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۸ مأمور ویژه شهربانی گزارش کرده که شعارهایی در خیابان نادری پشت سفارت انگلیس نوشته شده که با توجه به دستخط احتمال داده شد از آن شاگردان مدارس باشد. دبیرستان خرد واقع در خیابان منیریه و سپس دبیرستان شرف در نزدیکی سفارت مورد کنکاش قرار گرفته و دانش‌آموزان [دانشجویان در اصل] به نام‌های ایرج پزشک‌نیا، همایون سرشار و سیدحسین صارمی با خط تطبیق داده شد و در نتیجه خط پزشک‌نیا با خط مزبور همخوان شد و قرار بر بازداشت آنان شد (گزارش‌های محرمانه شهربانی، ۱۳۷۱: ۲۰۰/۲).

۳-۴. شرکت در درگیری‌های خیابانی

درگیری‌ها و زدوخوردهای خشن و خیابانی و حمله به مراکز حزبی، از ویژگی‌های رقابت حزبی و سیاسی این سال‌ها بود. در منابع و اسناد از درگیری بین دانش‌آموزان وابسته به حزب توده و احزاب و گروه‌های دیگر در تهران و شهرهای مختلف گزارش‌های زیادی برجای مانده که در بسیاری از موارد به خاطر گستردگی سطح درگیری، منجر به مداخله شهربانی می‌شد (اسناد احزاب سیاسی در ایران، ۱۳۷۹: ۱۴۶). از این جهت معمولاً آمادگی لازم و تهیه ابزارهای مناسب برای این درگیری‌ها پیش‌بینی می‌شد. بدین منظور کمیته مرکزی حزب توده برای مقابله با حملات گروه‌های رقیب تصمیم گرفت گارد حزبی تشکیل دهد (گزارش‌های محرمانه شهربانی، ۱۳۷۱: ۱/۱). در ۱۷ آبان‌ماه ۱۳۲۶ بنا به تصمیم حزب توده، سازمان جوانان حزب توده بخشنامه شماره ۶۱۹ مورخ ۱۳۲۶/۸/۱۰ را به کلیه حوزه‌های دانش‌آموزی ارسال نمود: «نظر به این که سازمان پرافتخار جوانان توده ایران می‌خواهد در موقع لزوم ثابت نماید که محصلین نیز مبارزین سرسخت و شجاعی هستند و بنا به پیشنهاد کمیته مرکزی سازمان جوانان و موافقت کمیته مرکزی حزب از طرف کمیته ایالتی تهران در محل کلوب مرکزی، تشکیلاتی به نام شعبه تعلیمات مخصوص جوانان دانش‌آموز ایجاد و احداث شده است تا با فراگرفتن تعلیمات نظامی و پلیسی در کلاس‌های ویژه این شعبه گاردی از جوانان مبارز و نیرومند بر سازمان افزوده شود، لذا افراد باید تا بیستم آبان ماه به دفتر شعبه مراجعه و نام‌نویسی نمایند» (گزارش‌های محرمانه شهربانی، ۱۳۷۱: ۴۴۹/۱).

در میتینگ روز جمعه ۶ دی‌ماه ۱۳۳۰ که علی‌رغم ممنوعیت شهربانی در میدان بهارستان برگزار شد. با توجه به احتمال بروز درگیری‌های خیابانی و حمله احزاب و گروه‌ها به تظاهرات حزب توده، در کانون جوانان دمکرات مقدار زیادی چوب چماق و چاقو تهیه شده که در روز جمعه از آنها استفاده شود (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۱۱۰). برای این کار به واحدهای حزبی و سازمان جوانان آموزش داده شد که چوب شعارنویشته‌ها و پرچم‌ها طوری تهیه شود که بتوانند از آنها در موقع مقتضی به‌جای چماق و وسایل مختلف استفاده کنند و بسیاری از شرکت‌کنندگان در جیب‌های خود پودر فلفل، پنجه‌بوکس، چاقو و وسایل ضرب و شتم آماده داشتند (امیرخسروی، ۱۳۷۵: ۲۸۲). از اقدامات دیگر حزب برای آمادگی در رگیری‌ها، تشکیل «گروه مقاومت» برای مقابله با احزابی چون

سومکا و پان ایرانیستها بود که به اجتماعات و تظاهرات توده‌ای‌ها حمله می‌کردند (تهرانی، ۱۳۶۸: ۲۵). مأمور ویژه به تاریخ ۷ آبان‌ماه ۱۳۳۰ گزارش می‌دهد که اخیراً از طرف کمیته مرکزی حزب توده، محمدرضا خرازی، لاجوردی، یوسف زاده، حکیم پور، جلیوند و رضانی اعضای کمیسیون تبلیغات دانش‌آموزی تشویق شده‌اند. علت تشویق، مبارزه این دانش‌آموزان در درگیری دبیرستان شرف و مقابله با گروه‌های رقیب بوده که لاجوردی و یوسف‌زاده سخت مجروح شدند (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۶۰). از دیگر اقدامات مقابله‌ای شکل دادن زنجیرهای حمایتی از راهپیمایی‌های دانش‌آموزان بود. کارگران کارخانه‌ها به‌عنوان مأمورین انتظامی تظاهرات حزب توده در اطراف دانشجویان و دانش‌آموزان به خط زنجیر حرکت کرده و در سر چهارراه‌ها افراد توده‌ای ایستاده و نسبت به آنها ابراز احساسات می‌کردند (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۶۳).

۴-۵. راهپیمایی و بسیج سیاسی حزبی

حزب توده در سال‌های نهضت ملی شدن نفت، نیرومندترین و سازمان‌یافته‌ترین حزب سیاسی کشور بود. با توجه به زیاد بودن تعداد اعضا و هواداران، معمولاً حزب توده تظاهرات گسترده‌ای را برگزار می‌کرد. در به راه انداختن تظاهرات و درگیری‌های خیابانی در زمانه ملی شدن نفت، هدف حزب توده دو چیز بود: ایجاد چالش برای دولت مصدق و دیگر این که با این اقدامات، دائماً به نمایش پرداخته و قدرت خود را به رخ همگان بکشد (امیرخسروی، ۱۳۷۵: ۲۷۵؛ باقی، ۱۳۷۹: ۴۴).

بر اساس گزارش‌های محرمانه شهربانی در راهپیمایی و میتینگ‌های حزب توده یک قشری که همواره حضور داشتند، دانش‌آموزان بودند. برای نمونه در ۱۴ مهرماه ۱۳۲۵ در ساعت ۱۴/۳۰ روز پنجشنبه کلیه افراد حزب توده را سوار اتوبوس‌ها از میدان سپه به میدان امجدیه بردند. در این گردهمایی عده‌ای از محصلین با لباس ورزشی تحت نظر زاهدی دبیر ورزش به میدان آمدند، رژه دادند و پرچم‌های مخصوص به نام دبیرستان شرف و ۱۷ دی در دست داشتند. سپس بقیه گروه‌های حزب توده رژه رفتند (گزارش‌های محرمانه شهربانی، ۱۳۷۱: ۱۹۳/۱). گزارش‌های نهادهای امنیتی و انتظامی فرایند شکل‌گیری راهپیمایی‌ها توسط حزب توده را همراه با جزئیات به‌روشنی توضیح می‌دهند. برای نمونه یکی از این گزارش‌ها اظهار می‌دارد: به دنبال پخش آگهی از طرف سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان به‌منظور شرکت در میتینگ، روز یکم اردیبهشت عده‌ای از دانشجویان و دانش‌آموزان که با تعطیلی کلاس‌ها، در مقابل دانشگاه حضور به هم رسانیده، بلندگویی تهیه و در اتومبیل نصب و دانشجویان را به شرکت در میتینگ دعوت نمودند. از آنجا به جلوی دبیرستان دخترانه انوشیروان دادگر، نوبرخش و شاهدخت و دبیرستان پسرانه البرز رفته و همین دعوت به راهپیمایی را برای این دانش‌آموزان نموده و در نتیجه در مقابل دبیرستان البرز عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان بوعلی سینا، اتحاد، بدر، شرف، اسدآبادی، پیرنیا، شاهرضا، دارالفنون، تمدن، خاقانی، عظیمیه، البرز، حکیم نظامی، هنرستان صنعتی و هنرستان رنگرزی به آنها ملحق و جمعیتی قریب سه هزار

نفر تشکیل و با چند شعار و چند عکس به همراه دانش‌آموزان آموزشگاه فنی شرکت نفت به طرف مجلس شورای ملی حرکت کرده و در میدان بهارستان متوقف و نماینده دانشجویان به نام وزیری و نماینده دانش‌آموزان به نام دوشیزه باوند، از دانش‌آموزان دبیرستان آزر به داخل اتومبیل و پشت بلندگو رفته و مطالبی را در مورد ملی شدن صنعت نفت و همدردی با کارگران و دانش‌آموزان آبادان و اصفهان ایراد و نسبت به عملیات شرکت نفت انتقاداتی نموده و درود به روان مقتولین خوزستان و اصفهان فرستادند. در ساعت ۱۲ و ۱۰ دقیقه تظاهرکنندگان به همان صفوف به خیابان شاه حرکت می‌کنند که در این موقع بین عده‌ای از پان ایرانیستها و فدائیان اسلام که دنبال آنها بودند، مشاجراتی تولید شد که منجر به زدوخورد گردید و در نتیجه مداخله شهربانی عده‌ای دستگیر شدند (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۴۲). شیوه راهپیمایی بدین گونه بود که با شعاری که از طریق بلندگو سر داده می‌شد، دانشجویان و دانش‌آموزان و دیگر افسار حرکت کرده و در مسیری که معمولاً از جلو دانشگاه تهران و مدارس مهم به سمت میدان بهارستان طی مسیر کرده و در آنجا تجمع کرده میتینگ را تشکیل و بیانیه را یکی از دانشجویان یا دانش‌آموزان می‌خواند. شعارها عمدتاً ضدیت با امپریالیسم و عوامل آنها و آزادی‌خواهانه بود. برای نمونه در ۷ آبان ماه ۱۳۳۰، عده کثیری از دانش‌آموزان و دانشجویان با سردادن شعارهایی از دانشگاه به میدان بهارستان حرکت کردند. این راهپیمایی به بهانه همبستگی با جنبش‌های بخش مصر اما در عمل برای شلوغ کردن خیابان‌ها و دشنام‌گویی به مصدق بود (امیرخسروی، ۱۳۷۵: ۳۰۰). در بهارستان به یاد شهدای قهرمان مصر یک دقیقه سکوت داده شد. سپس آقای شهیدی دانشجوی پزشکی و خانم قاضی نوری عضو هیئت دبیران سازمان دانش‌آموزی سخنرانی کردند (ضیاء‌الظریفی، ۱۴۰۲: ۱۳۸)؛ و در پایان قطعنامه میتینگ قرائت و تصویب شد (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۶۱ و ۶۳). شعارهای حزب توده ویژه بود، برخی از شعارهایی که توسط دانش‌آموزان سر داده می‌شد عبارت بودند از:

پیروز باد مبارزه دانش‌آموزان که از هیچ‌چیز هراس ندارند.

دانش‌آموزان مبارزه خود را در راه پیروزی ادامه خواهند داد.

درود به دانش‌آموزانی که در راه مبارزه با مصر همکاری می‌کنند.

دانش‌آموزان دبیرستان‌های ادیب، امیرکبیر، بدر، شاهرضا، قریب، علمیه، هدف، شاهدخت، طبری، نوربخش، دارالفنون، شرف و البرز هر یک شعار مخصوصی داشتند که نام سازمان دانش‌آموزان دبیرستان مربوطه در شعار مزبور قید شده بود (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۶۱ و ۶۳).

برنامه‌ریزی میتینگ‌ها و تظاهرات‌ها در کمیته مرکزی و کمیته بخشی دانشجویان صورت می‌گرفت. برای نمونه در جلسه اعضای کمیته فرهنگ و کمیته دانشجویان در تاریخ ۶ آبان‌ماه ۱۳۳۰، در منزل رحیم نامور مدیر روزنامه شهپاز در مورد فعالیت سازمان جوانان در

دانشگاه و دبیرستان‌ها و همچنین تأسیس سازمان خردسالان سخنرانی شد. با صحبت‌هایی که شد قرار شد در ۷ آبان ماه میتینگ سیاری از طرف کمیته فرهنگ (آموزش و پرورش) ترتیب داده شود و برنامه میتینگ پخش و به اطلاع دانش آموزان دبیرستان‌ها و دبستان‌ها برسد. به کمیته مرکزی دستور داده شد که مأمورین انتظامی (حزب توده) در نقاط لازم گمارده شده وسایل نقلیه فراهم نمایند و عموم کارگران کارخانجات مواظب صفوف دانش آموزان خواهند بود. خط سیر این تظاهرات از دانشگاه شروع و از خیابان‌های شاهرضا، شاهپور، یوسف‌آباد، نادری، استانبول، شاه‌آباد به میدان بهارستان ختم خواهد شد (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۵۳ و ۵۴). علاوه بر میدان بهارستان، میدان فوزیه (امام حسین امروزی) از دیگر میدان‌هایی بود که میتینگ‌های حزب توده در آنجا برگزار می‌شد. در ۱۷ آبان ۱۳۳۰، میتینگ کانون جوانان دموکرات ایران، به مناسبت ۱۰ نوامبر روز جهانی دانشجو به تعداد ۴۰۰۰ نفر از دانشجویان و دانش آموزان پایتخت در میدان فوزیه تشکیل شد و در بیانیه پایانی حکومت‌نظامی در خوزستان محکوم و خواستار برچیده شدن آن در مناطق نفتی شدند (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۶۹).

بزرگترین راهپیمایی حزب توده به همراه احزاب دیگر در روزهای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ رخ داد. در این روز همه هواداران احزاب ملی، دولت و حتی حزب توده در میدان بهارستان تجمع کرده و با شعارها و بیانیه‌های خود از دولت حمایت کردند. به نوشته روزنامه‌ها تعداد جمعیت در این روز از روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ بیشتر بود. سابقه نداشت احزاب و گروه‌های توده، ملی و دولتی با هم و در راستای یک هدف راهپیمایی کنند و باهم درگیر نشوند (اتحاد ملی، ۲۷ مرداد ۱۳۳۲). در این تجمع معلمان و شورای عالی جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی که سلطنت را تمام شده می‌دانستند درخواست کردند که اسامی دبستانها و دبیرستانهای سراسر کشور از خاندان پهلوی به اسم رجال علم و ادب و رهبران مشروطیت تغییر یابد (شهپاز، ۲۷ مرداد ۱۳۳۲). تظاهرات هواداران حزب توده در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز گزارش شده است. در ساعت ۸ صبح تعداد زیادی از جوانان حزب توده در میدان سپه تجمع کرده و روزنامه‌های حزبی می‌فروختند که درگیری با گروه‌های مخالف و نیروی نظامی شروع شد و چون مورد تعقیب قرار گرفته و پراکنده شدند، مراکز حزبی‌شان تاراج شد (کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۳۲).

نتیجه‌گیری:

با فروپاشی حکومت خودکامه رضاشاهی، فضای باز سیاسی — اجتماعی در ایران برقرار شد و زمینه برای فعالیت جریان‌ها، احزاب و تشکل‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی و نیز انتشار روزنامه‌ها و مطبوعات گوناگون فراهم گردید. جنبش ملی شدن نفت، بستری را فراهم ساخت تا در آن تشکل‌گرایی، تحزب و بسیج سیاسی اقشار مختلف اجتماعی از جمله دانش آموزان مدارس در سطح وسیعی رخ

دهد. این پژوهش با عطف نظر به اهمیت محوری جنبش ملی شدن نفت، با استفاده از روش تاریخی و با اتکا به منابع، اسناد و خاطرات برجای مانده از این رویداد به دنبال آن برآمد که به این پرسش پاسخ دهد. تشکلهای دانش آموزی چه نقشی در جنبش ملی شدن نفت ایفا کردند؟ دستاوردهای پژوهش نشان دهنده آن است که از منظر کیفیت کنشگری دانش آموزان و تشکلهای دانش آموزی، این برهه یکی از مهم ترین و شاید بتوان گفت مهم ترین دوره مشارکت سیاسی-اجتماعی دانش آموزان و تشکلهای دانش آموزی در تاریخ معاصر ایران است. از منظر کیفیت و کمیت و نیز تقدم سازمان دهی و تشکله سازی، حزب توده بر دیگر جریان ها برتری دارد. حزب از آغاز کار تشکیلاتی خود از سال ۱۳۲۱، نگاه ویژه ای به اقشار موجود در بدنه آموزش و پرورش به ویژه دانش آموزان داشت. با توجه به حضور معلمان در کمیته مرکزی حزب، زمینه مناسبی برای جذب دانشجویان و دانش آموزان وجود داشت. در سال های اوج گیری فعالیت سیاسی احزاب در جنبش ملی شدن نفت، تشکلهای مختلف برای اقشار جامعه از جمله سازمان دانش آموزی حزب توده تأسیس شده و مدارس تهران به پایگاهی برای فعالیت سیاسی و حزبی تبدیل شد. در بسیج سیاسی و فعالیت حزبی نقش های خاصی برای دانش آموزان دیده می شد و نشریات متعددی برای سازمان دهی آنها منتشر می گردید. با این حال مواضع آنها در نهضت نفت تابعی از مواضع حزب توده و کشور شوروی قلمداد می شود که به جز رویداد ۳۰ تیر ۱۳۳۱، در غالب موارد علیه مصدق و نهضت ملی شدن نفت اقدام می کردند. در واقع نفوذ زیاد حزب توده در مدارس و در بین دانش آموزان یکی از انگیزه های جریان ملی و مذهبی برای تشکله سازی و گسترش فعالیت به درون مدارس بود. در تحلیل آماری که از کنشگری سیاسی تشکلهای دانش آموزی با تکیه بر اسناد و منابع مورد استفاده این پژوهش به دست آمد، نشان دهنده آن است که فراوانی کنشگری مربوط به حزب توده ۷۱ مورد است. راهپیمایی و میتینگ، شعارنویسی و درگیری فیزیکی بیشترین نوع کنش بودند که دبیرستان شرف با ۱۶ فراوانی، البرز با ۱۵ و دارالفنون با ۹ فراوانی بیشترین کنشگری های مربوط به حزب توده را دارند.

مدرسه	جنسیت دانش آموزان	فراوانی کنش	نوع کنش
دارالفنون/امیرکبیر	پسرانه	۹	راهپیمایی/میتینگ، اعتصاب، شعار
البرز	پسرانه	۱۵	راهپیمایی/میتینگ، پخش اعلانیه و روزنامه، شعار، هنری-ورزشی، درگیری فیزیکی
ادیب	پسرانه	۳	شعار

شرف		۱۶	راهپیمایی/میتینگ، شعار، درگیری فیزیکی
بدر	پسرانه	۳	راهپیمایی/میتینگ، شعار
پیرنیا	پسرانه	۴	راهپیمایی/میتینگ، درگیری فیزیکی
علمیه	پسرانه	۲	راهپیمایی/میتینگ، درگیری فیزیکی
فیروز بهرام	پسرانه	۱	راهپیمایی/میتینگ
حکیم نظامی	پسرانه	۳	راهپیمایی/میتینگ، درگیری فیزیکی
شاهرضا	پسرانه	۳	راهپیمایی/میتینگ، شعار
قریب	پسرانه	۲	شعار
شاهدخت	دخترانه	۲	راهپیمایی/میتینگ، شعار
هدف	پسرانه	۱	راهپیمایی/میتینگ
طبری	پسرانه	۱	شعار
نوربخش	دخترانه	۶	راهپیمایی/میتینگ، شعار، درگیری فیزیکی
جمع		۷۱	

جدول شماره ۱: کنشگری سیاسی-اجتماعی دانش آموزان حزب توده (نگارندگان)

منابع

آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه حسن شمس آوری و کاشم فیروزمند و محسن مدیر شانه‌چی، تهران: نشر مرکز.

آدمیت، فریدون (۱۳۸۸). فکر دموکراسی/اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: نشر گستره.

آمریکا و تحولات ایران؛ اسناد و مدارک آزاد شده دولت ایالات متحد آمریکا درباره جنبش ملی شدن نفت ایران (۱۳۸۰). به کوشش سیدصادق خرازی، تهران: مرکز اسناد و دیپلماسی.

- اسکندری، ایرج (۱۳۷۲). *خاطرات*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- اسکندری، ایرج (۱۳۷۲). *خاطرات*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۴۰ (۱۳۷۹). روح‌الله بهرامی، آرشیو اسناد ریاست جمهوری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امیرخسروی، بابک (۱۳۷۵). *نظر از درون به نقش حزب توده ایران*، تهران: اطلاعات.
- ایوانف، میخائیل سرگی (۱۳۵۶). *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران: اسلوچ.
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۹). *جنبش دانشجویی ایران: از آغاز تا انقلاب اسلامی*، جلد ۱، تهران: جامعه.
- بهار، محمدتقی (۱۳۶۳). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی مشروطیت*، تهران: امیرکبیر.
- پارسا بناب، یونس (۱۳۸۳). *تاریخ صدساله احزاب و سازمان‌های سیاسی ایران*، بی‌جا: انتشارات راوندی.
- توکلی، یعقوب (۱۳۸۸). *از اینجا آغاز می‌شود: تاریخچه جنبش دانش‌آموزی در ایران اسلامی*، تهران: اتحادیه انجمن‌های دانش‌آموزی.
- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک (کتاب نهم) سازمان جوانان حزب توده (۱۳۸۰). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- حزب توده ایران؛ از آغاز تا پیدایی بهمن ۱۳۵۷ (۱۳۶۲). بی‌نا.
- حسینی، جواد (۱۳۹۰). *فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان از سال ۱۳۲۰-۱۳۳۲ در ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد.
- خان بابا تهرانی، مهدی (۱۳۶۸). *نگاهی از درون به جنبش چپ در ایران: گفتگو با مهدی خان بابا تهرانی*، حمید شوکت، پاریس: بازتاب.
- رضوانی، محسن (۱۳۸۶). *نگاهی از درون به جنبش چپ ایران*، به کوشش حمید شوکت، تهران: نشر اختران.
- ضیاء‌ظریفی، ابوالحسن (۱۴۰۲). *سازمان دانشجویان دانشگاه تهران*، تهران: شیرازه.
- قانونی، مریم، نورائی، مرتضی و الله یاری، فریدون (۱۴۰۱). *بررسی نقش‌آفرینی جنبش دانش‌آموزی در عمومی‌سازی مبارزات انقلاب اسلامی: مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان (۱۳۵۰-۱۳۵۷)*، گنجینه اسناد، سال ۳۲، شماره ۱۲۵، صص ۷-۷.
- DOI:10.30484/GANJ.2022.2916.45
- کسروی، احمد (۱۳۸۳). *تاریخ مشروطه*، تهران: امیرکبیر.
- گزارش‌های محرمانه شهربانی ۱۳۲۴-۱۳۲۸، (۱۳۷۱). به کوشش مجید تفرشی و محمود طاهراحمدی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۸۸). *پنجاه سال فراز و فرود حزب توده ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مرادی خلج، محمد مهدی (۱۳۹۷) شیراز در دوران نهضت ملی شدن نفت، تهران: انتشارات کویر.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵) در حاشیه سیاست خارجی (خاطرات)، تهران: نشر آسیم.

Foreign Relation of the United States 1952-1954(2017). Ed James C. Van Hook, Washington: United States Government Publishing Office.

نشریات:

اتحاد ملی، ۲۷ مرداد ۱۳۳۲

آخرین نبرد، ۵ آذرماه ۱۳۳۰

به سوی آینده، ۲ مهرماه ۱۳۳۰

پرچمدار؛ ارگان سازمان پان ایرانیست، یکشنبه ۲۷ مهرماه ۱۳۳۱.

جرس، ۱ آذرماه ۱۳۳۰: ۴

حرفه، ۳ خرداد ۱۳۳۰

راهنمای ملت، ۱۷ آبان ۱۳۳۰

رزم، ۲۵ شهریور ۱۳۳۰

شجاعت، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

شهباز، ۲۷ مرداد ۱۳۳۲

قیام ملی، ۱۳ آبان ۱۳۳۰:

کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۳۲

اسناد

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران): ۲۹۷/۰۳۴۶۵

ساکما: ۳۱۰/۳۹۴۴۸

Political activism of students affiliated with the Tudeh Party in the oil nationalization movement

(Case study of Tehran)

Abstract: Despite its prominence and influence in contemporary Iranian history, particularly in the oil nationalization movement, the student movement and the political-social activism of the student population have rarely received independent attention and research. With the collapse of Reza Shah's autocratic rule, a political-social open space was established in Iran, providing a fertile ground for the activities of various political, social, and religious currents, parties, and organizations. The oil nationalization movement was one of the most important political-social movements in contemporary Iranian history, which widely provided a platform for organization, partisanship, and political mobilization of various social strata, including school students. This research, considering the central importance of students in the oil nationalization movement, using a historical method and collecting data based on sources, publications, documents, and memoirs remaining from this event, seeks to answer the question: What role did student organizations affiliated with the Tudeh Party in Tehran play in the oil nationalization movement? The research findings indicate that this period is one of the most important periods of political action by students and student organizations in contemporary Iranian history. The Tudeh Party, aware that movements always require action, political mobilization, organization building, and supporter organization, chose some of its most important supporters, or rather its party's infantry, from among schools and the student population, and by organizing them, brought them into the field of political activism. Marches, rallies, slogan writing, and physical clashes were among the most common types of action, and Sharaf, Alborz, and Darolfonun high schools were the main centers of activism related to schools and Tudeh Party students.

Keywords: Nationalization of Oil Movement, Tudeh Party, students, Tehran, Iran.